

ORIGINAL ARTICLE

Survey the challenges of the American Presbyterian Mission with the Kurds in Iran during the years (1834-1904 AD/1249-1322 AH)

Azam Fooladi-Panah^{1*}, Javad Arabani²

1. Ph.D in History of Islamic Culture & Civilization, Faculty of Theology, University of Tehran, Iran.
2. Senior Researcher, Institute of Contemporary History.

Correspondence:

Azam FooladiPanah

Email: fooladi.panah@ut.ac.ir

Received: 02 Feb 2025

Accepted: 26 Mar 2025

How to cite

Fooladi-Panah, A. & Arabani, J. (2024). Survey the challenges of the American Presbyterian Mission with the Kurds in Iran during the years (1834-1904 AD/1249-1322 AH). *Iran Local Histories*, 13(1), 108-120. (DOI: [10.30473/lhst.2025.73283.2965](https://doi.org/10.30473/lhst.2025.73283.2965))

ABSTRACT

The American missionaries of the Congregationalist sect were the first American missionary group to introduce the Iranian community to America in the early 19th century. For some reason, the missionaries of this sect gave way to the Presbyterian missionaries in Iran in 1870 AD/1286 AH, and they were able to attract the attention of the Iranian community through educational, cultural, and health measures. The Presbyterian mission activities during the Qajar period faced numerous challenges, including the Kurds, who created obstacles in their way. This paper attempts to answer the question of why and how the Kurds hindered the missionary activities of the American missionaries in Iran. This research, using a descriptive-analytical method and library resources, attempts to address the role of the Kurds in creating obstacles to the activities of the American Mission in Iran during the Qajar era. The hypothesis of the present research is based on the fact that the negative confrontations of the Kurds with the Christians of western Iran led to rebellions, murders, and insecurity in these regions, and in the meantime, the missionaries' support for the Christians faced them with various challenges from the Kurds. The research findings show that the American Mission's efforts to support the Christians of western Iran forced them to interact with the Kurds, but the xenophobia of the Kurds and the efforts that the Mission made to Christianize them after the defeat of the Sheikh Ubeydullah rebellion created numerous challenges for the Mission.

KEYWORDS

America, Presbyterian missionaries, Kurds, evangelism, Qajar dynasty.



«مقاله پژوهشی»

بررسی چالش‌های میسیون پرزبیتری آمریکا با کردها در ایران طی سال‌های (۱۸۳۴-۱۹۰۴ م. ۱۲۴۹-۱۳۲۲ق)

اعظم فولادی‌پناه^{۱*}، جواد عربانی^۲

چکیده

میسیون‌های آمریکایی فرقه کانگرگیشنالیست اولین گروه تبشیری آمریکایی بودند که در اوایل قرن نوزدهم زمینه‌آشنایی جامعه ایرانی با آمریکا را فراهم کردند. میسیون‌های این فرقه در ۱۸۷۰م/۱۲۸۶ق به دلایلی جای خود را به میسیون‌های پرزبیتری در ایران دادند و آنها نیز به واسطه اقدامات آموزشی، فرهنگی و بهداشتی توانستند توجه جامعه ایرانی را به‌سوی خود جلب کنند. فعالیت‌های میسیون پرزبیتری در دوره قاجاریه، با چالش‌های متعددی از جمله کردها نیز مواجه بود که این موضوع موانعی بر سر راه آنها ایجاد می‌نمود. نوشتار حاضر سعی دارد به این سوال پاسخ دهد که کردها چرا و چگونه فعالیت‌های تبشیری میسیون‌های آمریکایی در ایران را با مانع مواجه می‌ساختند؟ این نوشتار با رویکرد و روش تاریخی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای می‌کوشد به نقش کردها در ایجاد موانع در برابر فعالیت‌های میسیون آمریکا در ایران عصر قاجاریه بپردازد. فرضیه پژوهش پیش رو بر این موضوع استوار است که مواجهات سلبی کردها با مسیحیان غرب ایران زمینه‌شورش و ناامنی را در این مناطق به همراه داشت که در این میان حمایت‌های میسیونرها از مسیحیان، آنان را با چالش‌های گوناگونی از سوی کردها مواجه می‌ساخت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تلاش میسیون آمریکایی برای حمایت از مسیحیان غرب ایران آنان را وادار به تعامل با کردها نمود اما بیگانه‌ستیزی کردها و نیز تلاشی که میسیون برای مسیحی کردن آنان به انجام رساند پس از شکست شورش شیخ عبیدالله چالش‌های متعددی را برای میسیون پدید آورد.

واژه‌های کلیدی

آمریکا، میسیون‌های پرزبیتری، کردها، تبشیر، قاجاریه.

۱. دانش‌آموخته دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۲. پژوهشگر ارشد پژوهشکده تاریخ معاصر

نویسنده مسئول:

اعظم فولادی‌پناه

رایانامه: fooladi.panah@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۰۶

استناد به این مقاله:

فولادی‌پناه، اعظم و عربانی، جواد (۱۴۰۳). بررسی چالش‌های میسیون پرزبیتری آمریکا با کردها در ایران طی سال‌های (۱۸۳۴-۱۹۰۴ م/ ۱۲۴۹-۱۳۲۲ق). فصلنامه علمی پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، ۱۳(۱)، ۱۰۸-۱۲۰. (DOI:10.30473/lhst.2025.73283.2965)

مقدمه

مسیون آمریکایی بنابر مبانی الهیاتی خود، در قرن نوزدهم میلادی، مسیونرهای مذهبی فرقه کانگرگیشنالیست^۱ را با هدف تبشیر مسیحیت انجیلی^۲ به اقصای نقاط جهان اعزام می‌کرد. این مسیون پس از مطالعه و بررسی جامعه ایرانی تصمیم گرفت که اولین مسیون خود را در سال ۱۸۳۴م/۱۲۴۹ق به ایران اعزام کند. در آن دوره، قاجارها به واسطه شکست در جنگ‌های ایران و روس و عدم پشتیبانی انگلیس و فرانسه، به دنبال جلب حمایت نیروی خارجی جدیدی بودند از این‌رو از ورود مسیونرهای آمریکایی به ایران استقبال کردند.

مسیونرهای آمریکایی در بدو ورود به ایران، به دلیل وجود اقلیت‌های مسیحی ساکن در منطقه آذربایجان، این منطقه را به عنوان نخستین پایگاه فعالیت‌های خود برگزیدند و در میان آسوریان و ارامنه در کنار امر تبشیر، به فعالیت‌های آموزشی، فرهنگی و پزشکی مبادرت ورزیدند. آسوریان آذربایجان که پایگاه اجتماعی قابل توجهی در جامعه ایرانی نداشتند، با آغوش باز پذیرای مسیونرهای آمریکایی شدند (Wagner, 1850: 1/256-257, Perkins, 1843: 3-4, 31.) این در حالی بود که ارامنه در ابتدا به واسطه تحریکات روحانیان خود، به تقابل با مسیون آمریکا پرداختند (Wilson, 1896: 144-145, 159-161).

منطقه شمال غرب و غرب ایران، محل زندگی کردها نیز بود که مسیونرها تلاش کردند با آنها ارتباط برقرار کنند. کردهای این سامان، غالباً در مناطق کوهستانی مرزی بین ایران و عثمانی پراکنده بودند و به واسطه زیست خاص و روحیه جنگاوری، مشکلاتی را برای مسیونرهای آمریکایی ایجاد کردند، اما مسیون همواره تلاش می‌کرد با آنان قطع رابطه نکرده و از راه تعامل به همزیستی مسالمت‌آمیز با آنها دست یابد. حضور و فعالیت‌های مسیونرهای آمریکایی پربزتری^۳ در مناطق غرب و شمال غرب

ایران زمینه‌ساز چالش‌های متعدد آنان با گروه‌های قومی و مذهبی مستقر در این منطقه شد.

علاوه بر مشکلات ناشی از فعالیت در یک کشور مسلمان، مسیون با چالش‌های دیگری مواجهه بود؛ از جمله این چالش‌ها رقابت با سایر مسیون‌های مسیحی خارجی به خصوص لازاریست‌های^۴ فرانسوی و ارتدکس‌های روس بود. این مسیون‌ها در جهت پیشبرد اهداف مذهبی خود، مزاحمت‌های زیادی را برای مسیون آمریکا ایجاد می‌کردند که باعث کاهش بازدهی فعالیت‌های تبشیری مسیونرهای آمریکایی می‌شد. مهم‌ترین حوزه جغرافیایی این رقابت‌ها در ایالت آذربایجان بود. هرچند که مسیون آمریکا به دلیل داشتن منابع مالی قوی، نیروهای مصمم و بهره‌مندی از دستیاران بومی آسوری توانست بر این مشکل فائق آید. در این میان کردها از گروهایی بودند که در منطقه آذربایجان، چالش‌هایی را در مسیر فعالیت‌های مسیون پدید می‌آوردند.

درباره پیشینه پژوهش لازم است به مقاله «شیخ و مبلغ: یادداشت‌هایی در مورد گفتگو در مورد مسیحیت، اسلام و ناسیونالیسم کرد» نوشته رابرت میلر و کمال سلیمانی اشاره نمود. هرچند که این مقاله با توجه به عنوان آن به شیخ عبدالله و مسیون آمریکا ارتباط دارد، اما بیشتر به برخوردهای پیچیده بین صوفیان کرد و مسیونرهای آمریکایی در منطقه حکاری پرداخته و تا حدی انگیزه‌های قیام شیخ عبدالله در سال ۱۸۸۰م. و اهداف مبلغان آمریکایی در امپراتوری عثمانی را روشن می‌کند، بنابراین با مطالب پژوهش پیش‌رو متفاوت است. در میان پژوهش‌های داخلی و خارجی نیز که درباره شورش شیخ عبدالله نه‌ری به رشته تحریر درآمده، این شورش‌ها از آن‌روی که به عنوان چالشی در راه فعالیت‌های تبشیری مسیون آمریکایی به‌شمار می‌آمد، مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. از این‌رو می‌توان گفت که در زمینه بررسی نقش کردها در ایجاد چالش‌های پیش روی مسیون پربزتری آمریکا در ایران دوره قاجاریه، تاکنون پژوهش مستقلی به چاپ نرسیده است.

یعنی خدا مردم را در صورت پذیرش هدیه‌اش، آزادانه نجات می‌دهد. جان ولسی (۱۷۰۳-۹۱) که فرقه متدیست را پایه‌گذاری کرد، نقش مهمی در ظهور مسیحیت انجیلی در انگلستان ایفا کرد. مسیحیت انجیلی برای اولین بار در آمریکا طی بیداری بزرگ در سده‌های ۱۸ و ۱۹ گسترش یافت و بسیاری از شاخه‌های مسیحیت پروتستان در آمریکا مانند کانگرگیشنالیست، پربزترین و ... پیرو مسیحیت انجیلی هستند (برای اطلاع بیشتر نک:

The Encyclopedia of WORLD RELIGIONS, 2006: 138-139; Britannica Encyclopedia of World Religions, 2006: 339; Encyclopedia of Religion, 2005: 5/ 2887-2893).

3. Presbyterian

4. Lazarist

۱. کانگرگیشنالیست‌ها (Congregationalists) پیروان کلیسای کانگرگیشنال (Congregational church) یا کلیسای جماعت‌گرایان هستند. این فرقه یکی از فرقه‌های مهم مسیحیت پروتستان هستند که معتقد به هزاره‌گرایی می‌باشند و پیروان آن جزء نخستین اعضای هیئت‌های تبشیری خارجی آمریکا به حساب می‌آیند (برای اطلاعات بیشتر نک: فولادی پناه، ۱۴۰۳: ۵۸۴-۵۸۵؛

Britannica Encyclopedia of World Religions, 2006; 260-261) ۲. مسیحیت انجیلی یک شاخه از مسیحیت پروتستان است که در برخی از کشورها و به خصوص در ایالات متحده پیروان زیادی دارد. در طول دوره اصلاحات مذهبی، لوتریان ترجیح دادند خود را پیرو «مسیحیت انجیلی» بنامند تا «مسیحیت لوتری» زیرا آنها بر «انجیل» یا «مژده» نجات از طریق فیض، بر ایمان مسیحی باور داشتند.

۱- شورش‌های کردها در دوره قاجاریه

در این دوره بزرگ‌ترین ایلات ایران، کردها در کنار لرها، بختیاری‌ها، قشقایی‌ها و ترکمن‌ها بودند. قدرت و استقلال این قبایل در نتیجه سیاست‌های ناصرالدین شاه و سلطه روس‌ها بر ترکمن‌های آسیای میانه در نیمه دوم قرن نوزدهم پیوسته کاهش می‌یافت. از منظر دیپلماسی غرب، یکی از نیرومندترین و بهترین این قبایل کردها بودند که در منطقه‌ای به مساحت پنجاه هزار مایل مربع در مرزهای ترکیه و شمال غرب ایران زندگی می‌کردند. در طول قرن ۱۹ طوایف و قبایل کرد با هم در نبرد بوده و یا علیه شاه شورش می‌کردند. این درحالی بود که ناصرالدین شاه در اواخر این قرن موفق شد با سیاست‌هایی خاص و اعمال زور آنها را تا حد زیادی تابع قدرت خود گرداند. همچنین اختلافات مذهبی بین کردها و نسطوریان^۱ که در میان آنها زندگی می‌کردند عامل ایجاد تشنج بود (یسلسون، ۱۳۶۸: ۳۹-۴۱؛ کرزن، ۱۳۴۹: ۱/ ۶۹۸-۷۰۲). نخستین تماس میسیون آمریکا با کردها در دوره فعالیت دکتر آساهل گرانت^۲، آغاز شد. میسیون‌های آمریکایی به‌طور پیوسته سفرهای تبشیری به مناطق کوهستانی کردنشین داشتند. آنها که در تماس با کردها بودند، از طرفی با رفتارهای دوستانه برخی از آنان و از طرف دیگر با شبیخون‌های مکرر آنها مواجه می‌شدند. از میان میسیون‌های آمریکایی، دکتر جوزف کوکران^۳ و دکتر پکارد^۴ در بین کردها نفوذ زیادی داشتند. میسیونرها با توجه به نگرانی از حملات مداوم کردها، نتوانستند به صورت مستقیم و مستمر در میانشان به فعالیت‌های تبشیری بپردازند، اما میسیون‌های آمریکایی حتی تا اواخر حضور در ایران، به دنبال پیدا کردن روش‌های جدید برای نفوذ در میان آنان و تبشیر مسیحیت انجیلی بودند. به عنوان مثال آنها در پی تأثیرگذاری بر کردهایی بودند که به صورت فصلی برای کار به مناطق شمالی ایران از جمله رشت^۵ می‌رفتند و این راه را روشی مناسب برای تبشیر در میان کردهای غرب ایران می‌دانستند (Speer, 1922: 349, 524-525, 527; Wilson, 1896: 258).

بدین ترتیب میسیون‌های آمریکایی نگاه خاصی به کردها در ایران داشتند، زیرا درحالی که از حملات آنها وحشت داشتند، به مسیحی کردن‌شان امیدوار بودند. فردریک کُن، میسیونر آمریکایی که به همراه والدین میسیونر خود، سال‌ها در میان کردهای غرب ایران زندگی می‌کردند و به تبشیر در میان‌شان می‌پرداختند، گزارش‌های مفصلی درباره کردهای مناطق غرب ایران نوشته است. او کردهای این مناطق را که عمدتاً توسط شیوخ اداره می‌شدند، به سه دسته کوچ‌نشین، نیمه‌عشایرها و رعیت‌ها تقسیم کرده است و بزرگ‌ترین سرگرمی آنان را که باعث ترس و وحشت میسیونرها می‌شد، شبیخون‌های دوره‌ای به مناطق روستایی غرب ایران برشمرده است. این درحالی بود که آنان مجروحان ناشی از شبیخون‌ها را برای درمان به بیمارستان میسیون در ارومیه می‌آوردند (Coan, 1939: 56-58). او در گزارش‌های خود از شخصی به نام «کُردو»^۶ به عنوان رئیس یکی از قبایل کرد نام می‌برد که در دوره ناصرالدین شاه، حکومت مرکزی تلاش‌هایی را برای دستگیری وی به انجام رسانده بود^۷. او درباره کُردو و تلاش وی برای آزار رساندن به میسیون‌های آمریکایی اشاره دارد، البته فردریک کُن در ادامه این گزارش می‌نویسد: «با این حال، اگر تصور کنیم که همه آنها دزد و ظالم هستند، بی‌عدالتی فاحشی است» (Ibid, 60).

میسیون‌های آمریکایی علاوه بر غارت‌ها و حملات گهگاه کردها در غرب و شمال غرب ایران، با دو شورش بزرگ روسای قبایل کرد مواجه شدند که بر روند کار میسیون آمریکا در مناطق مذکور تأثیرگذار بود.

۱-۱- شورش بدرخان بیگ

نخستین شورش تأثیرگذار، حمله بدرخان بیگ به مناطق آسوری‌نشین سرحدات ایران و عثمانی (در منطقه حکاری) بود. بدین ترتیب مدتی پس از حضور و فعالیت میسیون‌های آمریکایی در ارومیه، در آوریل ۱۸۴۳ م. / ۱۲۵۹ ق.، میسیون با شورش بدرخان بیگ، امیر بوتان و متحدش نورالله بیگ، امیر حکاری مواجه شد. در این میان، آساهل

Bassett, 1890: 155-156; A century of Mission Work ۷۰: ۱۳۳۳ (in Iran, 1936: 11).

6. Kurdu

۷. فردریک کُن درباره ناتوانی حکومت مرکزی برای سرکوب کردها می‌نویسد: «صید کُرد مانند صید کبک وحشی است که در کوه‌ها زندگی می‌کند. کرد، سبک پا است، می‌تواند از تپه به سرعت پایین بدود، و همه راه‌های مخفی را می‌شناسد.» (Coan, 1939: 59).

۱. غربی‌ها نسطوریان پروتستان را آسوری و نسطوریان کاتولیک را کلدانی می‌نامیدند. Flynn, 2017: 590; Fiey, Holmberg, 1993: 7/1030-1032 (1993: 7/970-973).

2. Asahel Grant (1807-1844)

3. Joseph Plumb Cochran (1855-1905)

4. Harry Phineas Packard (1874-1954)

۵. فعالیت‌های میسیون‌های آمریکایی در رشت از سال ۱۸۷۵ م / ۱۲۹۲ ق آغاز شد اما تأسیس پایگاه میسیون آمریکا به‌طور رسمی با آمدن میسیون‌های آمریکایی، آقا و خانم شولر (Rev. H.C. Schuler) به رشت در ۱۹۰۲ م / ۱۳۱۹ ق انجام گرفت. (الدر،

بود که نه عثمانی‌ها و نه قاجارها تمایلی به قدرت‌گیری آنها نداشتند. از این‌رو آنان برای کسب قدرت بیشتر و استقلال خود، دست یاری به سوی نیروهای خارجی دراز می‌کردند، هرچند که بیگانگان به خصوص دولت بریتانیا از آنها سوءاستفاده می‌کردند (معتدل‌الوزاره، ۱۳۷۹: ۲۳۶). براساس آنچه بدان اشاره شد شیخ عبیدالله می‌کوشید با خارجی‌ها رابطه خوبی داشته باشد و در ظاهر با مسیحیان منصف بود. او در بهار ۱۸۸۰م/ ۱۲۹۷ق از دکتر جوزف کوکران دعوت کرد تا به دیدارش برود و برای او نسخه درمانی تجویز کند. کوکران به دیدار شیخ در نوچه (شم‌دینان) در حکاری رفت. طبق گزارش‌های کوکران از این دیدار، به‌نظر می‌رسید او به برقراری روابط نزدیک‌تر با میسیونرهای آمریکایی و غرب تمایل داشت و در راستای تحقق آرزویش برای ایجاد حکومتی مستقل، مایل بود که از حمایت خارجی‌ها برخوردار شود. به همین‌منظور بارها از میسیونرهای آمریکایی کمک خواست که او را در مسیر دریافت چنین کمکی از دولت انگلیس قرار دهند. اما میسیونرها که مایل نبودند در چنین زمانی، در این امور پیچیده وارد شوند، او را به کنسول انگلیس در تبریز ارجاع دادند (Speer, 1911: 74-75; Miller, 2019: 404). شیخ عبیدالله ناراضی‌هایی از قاجارها داشت و جاه‌طلبی‌های او باعث شده بود به دنبال گرفتن مناطق کردنشین در شمال غربی ایران باشد. شیخ برای تحقق این هدف خود، در تابستان ۱۸۸۰م/ ۱۲۹۷ق، پسر خود، شیخ عبدالقادر را به ارومیه فرستاد تا با اقبال‌الدوله، حاکم محلی آنجا مذاکره کند. پسرش سپس نزد کوکران رفت، اما دیدار پسر شیخ با کوکران رضایت‌بخش نبود. چنانچه در پاییز همان سال، شیخ عبیدالله با لشکر خود ارومیه را محاصره نمود. طبق نظر جوزف کوکران کاپیتان امیلیوس کلیتون^۴، کنسول نظامی بریتانیا در وان، شیخ را برای حمله به قاجارها تحریک کرده بود (فیضی، ۱۳۹۱: ۱۶۵-۱۷۰؛ Speer, 1911: 83; Miller, 2019: 406-407). لازم به ذکر است که این حمله، درست بعد از جنگ ترکیه با روسیه اتفاق افتاد؛ زمانی که ترکیه برای انجام هر کاری در جهت خاموش کردن شورش شیخ عبیدالله

گران‌ت که از نقشه روسای کرد مطلع شده بود، برای جلوگیری از حملات به محل اقامت بدرخان رفت و خان با احترام وی را پذیرفت. اما صحبت‌های گران‌ت تأثیری در تصمیم وی نداشت. از طرفی کینه نورالله بیگ نسبت به نسطوریان و تمایل غارت باعث انجام این کار شد. این‌گونه آنها به روستاهای متعدد حکاری^۱ حمله بردند. آنها همچنین بطریق^۲ نسطوری را از قوچانس^۳ به موصل و سپس به ارومیه راندند. آنها در مناطق نسطوری، اسرا و غنایم زیادی گرفتند. امیر بدرخان بیگ سرانجام در ۱۸۴۷م/ ۱۲۶۳ق. توسط سپاه عثمانی شکست خورد و ابتدا به کاندیا (شهری در جزیره کرت) و سپس به دمشق تبعید شد و در همان شهر درگذشت. این شورش و پیامدهای آن، چندین سال فعالیت‌های میسیونرها را در مناطق کوهستانی گردنشین متوقف کرد (همدی، ۱۳۷۸: ۴؛ خسروزاده، ۱۳۹۷: ۴۵-۴۷؛ Wagner, 1850: 1261-266; Aprim, 2007: 27-28). اما در اواخر دهه ۱۸۴۰م/ ۱۲۵۶ق. مشکلات ناشی از اقدامات بدرخان بیگ در حکاری فروکش کرد و اعزام مبلغان مسیحی به مناطق کوهستانی از سوی مبلغین آمریکایی مجدداً آغاز گردید که بیشتر این مهم را به دستیاران بومی میسیون محول می‌کردند (Becker, 2015: 223).

از آنچه گفته شد این‌گونه می‌توان برداشت نمود که آمریکایی‌ها به واسطه همزیستی کردها و آسوریان در مناطق مرزی ایران و عثمانی همواره تلاش می‌کردند تا از در دوستی و تعامل با آنان برآیند. این اقدام میسیونرهای آمریکایی از آن جهت بود که از آسوریان که در برابر مسلمان شدن توسط کردها قرار داشتند، محافظت کنند.

۲-۱ شورش شیخ عبیدالله نهری

شورش بعدی، حمله شیخ عبیدالله نهری در ۱۸۸۰م/ ۱۲۹۷ق به منطقه آذربایجان بود. طبق گزارش‌های میسیونرهای آمریکایی، شیخ عبیدالله یکی از شیوخ و سران کرد بود که جایگاه بالایی در میان آنان داشت. او به دنبال ایجاد حکومتی مستقل بود. این درحالی

۱. مختلف قومی-مذهبی از جمله آسوریان، یهودیان، اعراب سنی و شیعه، کردها، یزیدی‌ها و حتی ترکمن‌ها زندگی می‌کردند. (Becker, 2015: 43-45)

۲. عنوان بطریق یا پاتریارک برای رئیس یا پیشوای بسیاری از کلیساهای ارتدکس استفاده می‌شود. همچنین بالاترین مقام روحانی کلیسای آسوری را بطریق می‌نامند. (برای اطلاع بیشتر نک: میرم، ۱۳۸۹: ۱۴۰؛ Prokurat, 1996: 257-258).

۳. قوچانس (Qudshanis) روستایی در منطقه حکاری است که در گذشته تختگاه مطران‌های (بطریق‌های) کلیسای شرق بوده است. Maclean, 1901: 272
4e Captain Emilius Clayton

۱. حکاری در منطقه مرزی بین ایران و امپراتوری عثمانی قرار داشت. در اواسط قرن ۱۹ میلادی دولت عثمانی تلاش کرد تا حاکمیت خود را بر این منطقه تحمیل کند. حکاری متکی به قبایل محلی کرد و اسماً تابع عثمانی بود اما در عمل نقش نوعی دولت حائل را میان عثمانی و قاجاریه داشت. منطقه حکاری بسیار نفوذ ناپذیر و فاقد جاده‌های کالسه‌رو و هر نوع تجارت بود. بر خلاف زندگی شهری و روستایی مناطق غرب دریاچه ارومیه، اهالی حکاری را دامداران بیابانگرد و برخی کشاورزان تشکیل می‌دادند. جمعیت این منطقه متشکل از کردها و آسوریان بود. در مناطق غربی حکاری نیز سربانی‌ها و مسیحیان ارتدکس شرق سکونت داشتند. در جنوب حکاری گروه‌های

دیگری را که تصرف کرده بودند، بازپس گرفتند. در این شرایط به‌تدریج، سوءظن مردم ارومیه نسبت به میسیونرهای آمریکایی در حال فروکش کردن بود (ماساها، ۱۳۷۳: ۲۰۵-۲۰۶؛ فتنه شیخ عبدالله کرد، ۱۳۹۰: ۴۲-۴۳، ۳۳۴-۳۳۶، ۴۱۲-۴۱۳؛ فیضی، ۱۳۹۱: ۱۲۷-۱۲۹؛ (Speer, 1911: 90-91; Miller, 2019: 410).

به‌دنبال شکست نیروی‌های شیخ عبدالله، دولت‌های ایران و عثمانی برای نابودی کامل شیخ عبدالله، پیمان اتحاد تازه‌ای بستند و بدین‌سان حکومت عثمانی، شیخ را به استانبول فراخواند. شیخ در آنجا زندانی شد اما پس از مدتی از زندان گریخت و سرانجام در ۱۳۸۳ م/۱۳۰۰ ق در مکه درگذشت (فیضی، ۱۳۹۱: ۱۴۴-۱۴۹؛ چهره‌گشا، ۱۳۹۶: ۱۲۷-۱۲۹؛ *Presbyterian Monthly Record*, 1881: 32/234; Miller, 2019: 410-411).

با شکست شورش شیخ عبدالله، رؤسای شهر ارومیه عریضه‌ای علیه میسیونرهای آمریکایی نوشته و به ناصرالدین شاه ارسال کردند و از او خواستند که میسیونرها را از کشور بیرون کند، زیرا آنها شیخ عبدالله را برای حمله به ارومیه ترغیب کرده بود، درحالی‌که حاکم محلی ارومیه نامه‌ای به شاه فرستاد مبنی بر اینکه دکتر کوکران شجاعانه از شهر دفاع کرده و شایسته تقدیر است. با آمدن سپهسالار به ارومیه و حمایت‌های وی و برادرش نصرالله خان نصرالملک از میسیونرهای آمریکایی، شرایط برای آنها هموار شد (Speer, 1911: 94).

با توجه به حمایت‌های حکومت قاجاریه از میسیون آمریکا، جایگاه میسیونرهای آمریکایی در ایران حفظ شد. اما شورش شیخ عبدالله یکی از نقاط عطفی بود که باعث شد مردم ارومیه حداقل برای مدتی نسبت به میسیونرهای آمریکایی بی‌اعتماد شوند. طبق گزارش‌های میسیون آمریکا مدت کوتاهی پس از این شورش بود که شیعیان ارومیه قصد قتل عام میسیونرها را در ماه محرم ۱۳۸۰ م/۱۲۹۷ ق داشتند^۱ (چهره‌گشا، ۱۳۹۶: ۵۸؛ (Speer, 1911: 097-98). بنابراین، این رویداد باعث شد، میسیون آمریکا انرژی و توان بیشتری برای به دست آوردن اعتماد از دست رفته خود صرف کند. شورش شیخ عبدالله به ارومیه پیامد مهم دیگری نیز در پی داشت و آن ایجاد بهانه‌ای برای تأسیس سفارت آمریکا در تهران بود^۲. بدین‌سان میسیونرهای آمریکایی و سایر

ناتوان بود. از این‌رو شیخ به‌راحتی از سرحدات ترکیه عبور کرد و ابتدا در کوه‌های پشت ارومیه مستقر شد (ویشارد، ۱۳۶۳: ۲۵۸-۲۵۹؛ *روزهای خونین مراغه*، ۱۳۹۶: ۱۱۴/۱-۱۱۵؛ (Speer, 1911: 81). در چنین شرایطی قاجارها مقاومت قابل توجهی در برابر این حملات نداشتند، چرا که کردهای همراه با دولت قاجاریه، که برای جنگ با شیخ فرستاده شده بودند، همگی به طرف شیخ رفتند. از طرفی، هنگی از خوی و تبریز برای مقابله با نیروهای شیخ عبدالله به ارومیه آمدند، اما نتوانستند با آنان مقابله کنند. بدین ترتیب نیروهای شیخ عبدالله به سمت شهر پیش‌روی کردند. دکتر کوکران در این وضعیت، طی نامه‌ای از آنان خواست که از هرگونه خشونت علیه مردم خودداری کنند و آنها در پاسخ گفتند که به هیچ غیرنظامی چه نسطوری و چه مسلمان آسیبی نخواهد رسید گرچه برخلاف وعده خود، در برخی روستاها دست به غارت زدند (ماساها، ۱۳۷۳: ۲۰۵؛ کلهر، ۱۳۹۳: ۲۴۳؛ (Speer, 1911: 83-85).

در این شرایط میسیونرهای آمریکایی در وضعیت دشواری قرار داشتند و باید موضع بی‌طرفی خود را حفظ می‌کردند، زیرا ظاهراً با هر دو طرف دوست بودند. این درحالی بود که شیخ مدام به کوکران نامه می‌فرستاد که باعث شود قاجارها فکر کنند که میسیونرها با او هم‌پیمان هستند. روستاهای زیادی توسط پسر شیخ عبدالله و شیخ غارت شد (Speer, 1911: 84). این درحالی بود که مسلمانان ارومیه بر این باور بودند که میسیونرهای آمریکایی، شیخ را برای حمله به ارومیه تحریک می‌کردند اما میسیونرها مطمئن بودند که حاکم ارومیه چنین باوری ندارد (Ibid, 89).

سرانجام ناصرالدین شاه قاجار عموی خود حشمت‌الدوله را به فرماندهی قشون دولتی منصوب کرد و او قشونی ۶۰۰۰ نفری به آذربایجان برد. با اینکه حشمت‌الدوله در اثر بیماری به صورت ناگهانی در صائین‌قلعه (نزدیکی بانه) درگذشت اما قشون شاه به فرماندهی میرزا حسین‌خان سپهسالار، در ۴ نوامبر به ارومیه رسیدند و در جنگ با نیروهای شیخ عبدالله، پیروز شدند و رهبر قوای آنها در ارومیه که داماد شیخ عبدالله بود، کشته شد. در این میان کل سپاهیان وی، ارومیه را ترک کردند و قشون شاه شهرهای مراغه، خوی، ساوجبلاغ و مناطق

۲. یکی از عوامل تأثیرگذار در ایجاد روابط دیپلماتیک ایران و آمریکا در این دوره، تأکید برخی از نمایندگان کنگره آمریکا از جمله روفوس داوز، نماینده ایالت اوهایو نسبت به لزوم حمایت از میسیونرهای آمریکایی حاضر در ایران بود. از آنجا که خواهر و شوهر خواهر داوز در میان میسیونرهای آمریکایی مقیم شمال غرب ایران بودند، او در فوریه ۱۸۸۲ م ضمن خطاب قراردادن چستر آلن آرتور (Chester Alan Arthur)، رئیس‌جمهور وقت آمریکا نسبت به حمایت دولت آمریکا از میسیونرهای آمریکایی در ایران و لزوم حفظ جان آنها تأکید ورزید و بدین‌سان بسترهای لازم برای تأسیس

۱. دکتر ویلیام شد، میسیونر آمریکایی در ۳ ژانویه ۱۸۸۱ م/ ۱ صفر ۱۲۹۸ ق در گزارشی به این موضوع اشاره کرده و می‌نویسد: «ما متوجه شدیم که گروهی از مسلمانان متعصب به شیخ‌الاسلام پیشنهاد کردند که با قتل عام میسیونرها و مسیحیان آیین محرم را زنده نگاه دارند. شیخ‌الاسلام به آنها پاسخ داد که قبل از انجام هر کاری، سه چیز به آنها می‌گوید: (۱) میسیونرها وسیله نجات هزاران مسلمان از قحطی بوده‌اند. (۲) با شفاعت کوکران نزد شیخ عبدالله و گرفتن یک روز مهلت، شهر از غارت و قتل عام نجات یافت. (۳) اگر چنین افرادی را بکشید باید نتیجه آن را نیز درنظر داشته باشید. من به نوبه خود می‌ترسم که این کار نشانه پایان اسلام یا حکومت ایران یا هر دو در این منطقه باشد.» (Speer, 1911: 97-98).

1896: 278-279). حتی رابرت اسپیر درباره تقابلات کردها نسبت به مسیحیان در آغاز دهه ۱۹۰۰/۱۳۱۷ ق نوشته است: «اکراد در این زمان برای نابودی مسیحیان تمام تلاش خود را می‌کردند و این بار علمای مسلمان ارومیه را با گزارش‌هایی که مسیحیان، مساجد آنان را هتک حرمت کرده و کتب مقدس و مردگان‌شان را سوزانده‌اند، علیه مسیحیان می‌شوراندند» (Speer, 1911: 255).

۲- قتل میسیونرهای آمریکایی و وابستگان آنها

دهه آخر قرن ۱۹ و آغازین سال‌های قرن ۲۰ میلادی، دوره تحول نهضت تبشیری آمریکا در ایران بود. آخرین میسیونرها از گروه اول که در سال‌های شکل‌گیری میسیون آمریکا در ایران، در دهه‌های ۱۸۳۰ م/۱۲۴۵ ق. و ۱۸۴۰ م/۱۲۵۶ ق. به ایران آمده بودند، در اواخر دهه ۱۸۸۰ م/۱۲۹۷ ق. از دنیا رفتند. مرحله اول جنبش تبشیری میسیون آمریکا که با تمرکز انحصاری بر اقلیت‌های نسطوری، ارمنی و یهودی برجسته شده بود، با مرگ آنها پایان یافت. به‌جای آن، نسل دوم میسیونرها، که بسیاری از آنها فرزندان نسل اول بودند، به دنبال گسترش کار تبشیر فراتر از اقلیت‌ها به اکثریت جمعیت مسلمان کشور بودند. اما این تغییر و تحول، با افزایش ناامنی‌ها در ایالات ایران همراه بود. بنابراین، دوره ۱۸۹۰ م/۱۳۰۷ ق. تا ۱۹۰۷ م/۱۳۲۵ ق. دوره گذار میسیون آمریکا از فعالیت‌های تبشیری قدیمی‌تر و محدودتر نسل اول به دوره گسترش بود که بیشتر پس از جنگ جهانی اول به انجام رسید (Davis, 2001: 126). از جمله رویدادهای مهم در این دوره، قتل و تهدید میسیونرهای آمریکایی و برخی دستیاران^۹ آنها در غرب ایران بود. از میان کشته‌شدگان میسیون آمریکا، مهم‌ترین‌شان شوشان رایت^{۱۰} (شوشان اوشانا)^{۱۱} مقتول در ۱۸۹۰ م/۱۳۰۷ ق. و بنجامین وودز

اتباع آمریکا در ایران، یک حامی که امنیت آنان را در نقاط مختلف کشور تأمین و تضمین می‌کرد یافتند. این موضوع همچنین به حضور و فعالیت‌های تبشیری میسیون آمریکا در ایران رسمیت بخشید.

بدین ترتیب با کوشش برخی از نمایندگان کنگره آمریکا چون روفوس داوز^۱ و نیز دولتمردانی چون جان آدام کسن^۲ (وزیر مختار سابق آمریکا در اتریش)، گادلاو استاین اورث^۳ (وزیر مختار سابق آمریکا در اتریش)، کلنل جان واتسون فاستر^۴ (وزیر مختار سابق آمریکا در روسیه)، اندرو گرگ کرتین^۵ (فرماندار ایالت پنسیلوانیا) که نفوذ و تأثیر زیادی در کنگره و سنا داشتند، لایحه تأسیس سفارت آمریکا در ایران در ۵ آگوست ۱۸۸۲ م/۲۰ رمضان ۱۲۹۹ ق به تصویب رسید (معین السلطنه، ۱۳۶۳: ۶۷؛ Congressional Record - Senate, 3th August, 1882: 6846-6847; Congressional Record - Senate, 5th August, 1882: 6952-6953, 6960; History of the Establishment ..., 1887: 45-48). این گونه ساموئل بنجامین^۶ به‌عنوان وزیر مختار مقیم و سرکنسول آمریکا در ۱۸۸۳ م به تهران وارد شد.

لازم به ذکر است که حس بیگانه‌ستیزی و مسیحی‌ستیزی کردها که پیش از این نسبت به میسیونرها و مسیحیان منطقه وجود داشت و برای مدتی، تنها برای کسب قدرت بیشتر در پی یاری گرفتن از بیگانگان، خاموش شده بود، دوباره با شکست شورش شیخ عبیدالله، شعله‌ور گردید. چنانچه طبق گزارش‌های ویلسون، شیخ محمدصدیق، پسر شیخ عبیدالله که از راه و مسلک پدرش پیروی می‌کرد، قول انتقام از دکتر کوکران را به‌عنوان عامل اصلی شکست شورش شیخ عبیدالله داد. هرچند که خدمات پزشکی بیمارستان میسیون در ارومیه به خانواده شیخ صدیق، باعث تغییر رویه وی نسبت به میسیون و دکتر کوکران شد (فیضی، ۱۳۹۱: ۱۴۹؛ Wilson, A History of the ... 1887: 27-28).

سفارت آمریکا در ایران هموار گردید (ویلسون، ۱۳۶۸: ۵۷-۶۰؛ A History of the Establishment ..., 1887: 27-28).

1. General Rufus Dawes.
 2. John Adam Kasson (1822 - 1910)
 3. Godlove Stein Orth (1817 - 1882)
 4. Colonel John Watson Foster (1836 - 1917)
 5. Andrew Gregg Curtin (1815/1817 - 1894)
 6. S. G. W. Benjamin
۹. از جمله دستیاران میسیون کشته شده، کشیش موشه دنیل (Reverend Mooshie Daniel) بود او از جمله آسوریان فارغ‌التحصیل مدارس میسیون آمریکا به حساب می‌آمد که سال‌ها در دبیرستان و کالج میسیون در ارومیه تدریس می‌کرد. او سپس برای تحصیل الهیات به آمریکا و کانادا رفت و پس از ۱۱ سال به ایران بازگشت و به خدمت در میسیون آمریکا در ارومیه ادامه داد. وی در ۱۳۲۲ ق مدتی قبل از بنجامین لابیاری توسط «میرغفار» به ضرب گلوله به قتل رسید. (Speer, 1911: 257).
8. Shushan Wright

۹. شوشان اوشانا (Shushan Oshana)، همسر آسوری جان رایت (John Wright)، میسیون آمریکایی بود که ازدواج این دو اعتراضاتی را چه در میان میسیون آمریکایی حاضر در ایران و چه در میان اقلیت‌های مسیحی ساکن در مناطق غرب ایران پدید آورد. علاوه بر موضوع جنجالی ازدواج شوشان اوشانا، قتل او نیز به‌دست میناس (Minas) ارمنی از جمله موضوعاتی بود که برای مدتی فعالیت میسیون آمریکا در ایران را به خود مشغول ساخت. مسئله محاکمه و مجازات میناس بسیار دشوار بود، چرا که از یک‌سو جامعه ارمنی به پشتیبانی از او بسیج شده بودند و از سوی دیگر از آنجایی که اوشانا تبعه آمریکا به حساب می‌آمد، دولت آمریکا خواستار حکم اعدام برای قاتل وی شده بود. در این میان حکومت ایران، دچار استیصال شده و به ناچار تن به برگزاری دادگاهی به ریاست سرهنگ استوارت (Colonel C.E. Stewart)، کنسول انگلیس در تبریز داد و دادگاه نیز میناس را محکوم به اعدام ساخت اما ناصرالدین‌شاه با ورود به موضوع، حکم اعدام میناس را بدون امکان آزادی مشروط به حبس ابد تغییر داد. (الدز، ۱۳۳۳: ۵۹؛ ساعتچیان، ۱۳۹۶: ۴۵-۴۶؛ Wilson, 1896: 165-167; Davis, 2001: 139-140).

خدمتکارش بلافاصله میسیونرها، نمایندگی سیاسی آمریکا در تهران و کنسولگری انگلیس را وارد ماجرا نمود (Speer, 1911: 259-260; Davis, 2001: 148-149).

طبق گزارش‌های میسیون، میسیونرها به زودی از طریق تماس‌های گسترده خود در سراسر روستاهای نسطوری، کُرد و ارمنی دریافتند، قاتلان گروهی متشکل از ۱۴ کُرد دشت از منطقه ترگور بودند و رهبر گروه، میرغفار، دزد و قاتل معروفی بود که فقط اقلیت‌های مسیحی را شکار می‌کرد. فردریک کُن، میسیونر آمریکایی ذکر کرده که یکی از آنان به نام «کُردو» که پیش از این مزاحمت‌هایی برای میسیون ایجاد کرده بود و شرح آن ذکر شد، در قتل لابی با میرغفار همکاری داشت. میرغفار نیز پیشتر در سال ۱۹۰۴م/۱۳۲۲ق. کشیش موشه دنیل را به قتل رسانده بود. موشه دنیل در کانادا تابعیت بریتانیا را گرفته بود.^۳ طبق نوشته‌های فردریک کُن، دکتر کوکران برای پیگیری مجازات این قتل فعالیت می‌کرد و ظاهراً این اقدامات وی، خصومت میرغفار و گروهش را برانگیخت و به این ترتیب آنها قصد انتقام از کوکران را داشتند. بنابراین لابی در سفری کشته شده بود که میرغفار انتظار داشت، دکتر کوکران آن را انجام دهد، به‌طوری که به یک معنا لابی به جای کوکران کشته شد (Coan, 1939: 159-160, 224; Speer, 1911: 260; Idem, 1922: 462).

پس از کشف هویت قاتل لابی و همدستانش، میسیونرها و دیپلمات‌های انگلیسی از مقامات ایرانی خواستند که آنها را بازداشت کنند. در این شرایط، میرغفار ابتدا به خانه میرزا حسین آقا؛ مجتهد ارومیه پناه برد و سپس از مرز عثمانی گریخت. او تا دو ماه پس از قتل دستگیر نشد، اما دستگیری همدستان او امری بسیار دشوارتر بود. این سؤال که با میرغفار و میرزا حسین چه باید کرد و تلاش برای اجرای عدالت برای شرکای قتل چه خواهد بود، مسأله‌ای بود که در چند سال بعد ادامه یافت و یک‌سری بحران‌ها را به وجود آورد که حتی منجر به درگیری کوتاه مرزی بین ایران و عثمانی شد (Davis, 2001: 151).

میسیونرها و دیپلمات‌ها که در موارد گذشته مایل به پذیرش مصالحه در مورد مجازات خاطیان بودند، مانند مورد شوشان رایت و موشه دنیل، این بار خواهان مجازات حداکثری میرغفار و همدستانش شدند. آنها همچنین از دولت ایران خواستند که میرزا حسین، مجتهد

لابی^۱ کشته شده در سال ۱۹۰۴م/۱۳۲۲ق. بودند. این رویدادها، چندین موضوع مهم را روشن کرد، از جمله اتکای میسیونرهای آمریکایی به حفاظت و کمک‌های بریتانیا و محدودیت‌های فعالیت در میان اقلیت‌های مذهبی و اکثریت مسلمان ایران. اگرچه سیاست رسمی میسیون آمریکا بر این اساس بود که میسیونرهای آمریکایی باید از امور سیاسی دور بمانند، اما همزادپنداری میسیونرها با اقلیت‌ها باعث شد که آنها به‌تدریج نقش مدافعان اقلیت‌های ایران را برعهده بگیرند. علی‌رغم تمام این حمایت‌ها، به‌واسطه برخی رقابت‌ها و سوءظن‌ها در میان اقلیت‌های جامعه ایرانی، قتل میسیونرهای آمریکایی رخ داد. همچنین با گسترش فعالیت‌های میسیون در میان اکثریت مسلمان، خشم فروخته مسلمانان در قالب قتل میسیونرهای آمریکایی رخ نمود. این موضوع را حتی می‌توان یکی از دلایل کم‌فروغ شدن میسیون غرب ایران به حساب آورد.

۱-۲ قتل بنجامین وودز لابی

لابی یکی از قدیمی‌ترین نام‌ها در میان میسیونرهای غرب ایران بود. بنجامین لابی پدر (۱۸۳۴-۱۹۰۶م)، از دهه ۱۸۷۰م/۱۲۸۶ق. فعالیت‌های میسنوری در غرب ایران را آغاز نمود. دو پسر لابی، بنجامین جونیور (۱۸۶۵-۱۹۰۴م) و رابرت نیز مانند پدر به فعالیت‌های میسنوری در ایران ادامه دادند و زندگی خود را وقف هدف میسنوری یعنی تبشیر در ایران کردند (Jewett, 1909: 81-82; Davis, 2001: 148). در آوریل ۱۹۰۴م/۱۳۲۲ق. بنجامین وودز لابی با خدمتکارش، اسرائیل^۲ از ارومیه برای بازدید و سرکشی از جامعه مسیحی خوی خارج شد. در ۸ مارس همان سال، در طول راه، راهزنان، او و خدمتکارش را ربودند، خدمتکارش را با شلیک گلوله کشتند، لابی را چند مایل دورتر به بیابانی بردند و سپس با ضربات چاقو و گلوله از پای درآوردند. سارقان تمام دارایی‌های این دو از جمله لباس‌هایشان را بردند و سپس برای جلوگیری از شناسایی پراکنده شدند. این قتل بسیار شوکه‌کننده بود، چراکه پیش از این هرگز یک ایرانی مسلمان، یک میسیونر آمریکایی را به قتل نرسانده بود. بدترین آزاری که میسیونرها قبل از این متحمل شده بودند، مسأله‌ای چون سرقت و تعطیلی موقت مدارس میسنوری بود که اهمیت چندانی نداشتند. قتل لابی و

خاطر جنایتش دستگیر و مجازات کند، اما در نهایت فقط موفق شد دولت ایران را مجبور کند تا غرامت کوچکی به همسر و دو فرزند دنیل بپردازد. این‌گونه میرغفار بدون هیچ مجازاتی در قتل دنیل فرار کرد، زیرا تحت حمایت عالم ارومیه قرار داشت. Davis, 2001: 149-150

1. Rev Benjamin Woods Labaree (1865-1904)

2. Israel

۳. طبق گفته دیویس از آنجایی که دنیل یک شهروند بریتانیایی بود، کنسول انگلیس در تبریز، وراتیسلاو (A.C. Wratislaw) مداخله کرد و تلاش کرد تا قاتل را به

هاشم‌آباد مرگور به میسیونرها خبر دادند که تعدادی از یاغیان ایرانی برای کشتن میسیونرها، از جمله دکتر جوزف کوکران نقشه داشتند و حتی وارد محوطه کالج آمریکایی‌ها در ارومیه شدند، اما این عملیات ناکام ماند و آنها موفق به این کار نشدند (ساعتچیان، ۱۳۹۶: ۹۴؛ Spear, 1922: 261-269, Coan, 1939: 225; 273-275).

چند ماه پس از قتل لباری، با پیگیری‌های سفارت‌های انگلیس و آمریکا، میرغفار دستگیر و در تهران زندانی و به دلیل جنایاتش محاکمه و به حبس ابد محکوم شد.^۱ از این رو حکومت ایران همان مسیری را که قبلاً در رابطه با میناس، قاتل شوشان رایت داشت، دنبال کرد. لازم به ذکر است که میرغفار برخلاف میناس، اجازه فرار نداشت. او در زندان تحت نظارت بسیار دقیق قرار گرفت و در آنجا سه سال را در حبس گذراند و سپس احتمالاً در نتیجه شرایط سخت زندان درگذشت. مرگ او یکی از مشکلات پیش روی دولت ایران را حل کرد زیرا میسیونرها و دیپلمات‌ها بارها از مقامات خواسته بودند تا میرغفار را اعدام کنند (یسلسون، ۱۳۶۸: ۱۱۳؛ Spear, 1911: 278-280; Davis, 2001: 154).

از نظر میسیون، میرغفار تنها مجرم قتل لباری نبود و آنها منتظر و پیگیر مجازات و توبیخ میرزا حسین‌آقا، مجتهد ارومیه و همدستان میرغفار بودند. طبق گزارش‌های میسیون، میسیونرها نیز مکرراً میرزا حسین‌آقا را منشأ همه مشکلات خود می‌دانستند و خواهان برخورد شدید مقامات ایران با وی بودند. همچنین دیپلمات‌های آمریکایی و انگلیسی نیز از مظفرالدین‌شاه و ولیعهد، محمدعلی میرزا و حاکم ایالت آذربایجان، خواستند تا میرزا حسین آقا را از سمت خود برکنار و علناً مجازات کنند. دولت ایران در ابتدا حاضر نبود میرزا حسین مجتهد را وادار به خروج از ارومیه کند، بدیهی بود که حکومت ایران تحت فشار انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها که بر دستگیری و مجازات میرغفار و همدستانش اصرار داشتند، قرار داشت، از این رو سرانجام، در برابر فشارهای مداوم بیش از یک‌سال بر این موضوع، حکومت ایران به میرزا حسین آقا پیشنهاد

ارومیه را از سمت خود برکنار کند و یا او را زندانی کند یا به‌گونه‌ای دیگر از او درس عبرتی برای عموم بسازد. این ادعای میسیونرها بر واقعیت استوار نبود. تشخیص ادعای میسیونرها مبنی بر همدستی میرزا حسین مجتهد در قتل لباری بسیار دشوار بود. شواهد دال بر همدستی وی به عنوان محرک قتل پیش از واقع، ضعیف و کاملاً بر اساس شنیده‌ها بود (Davis, 2001: 152-153). همه این شرایط دولت ایران را در تنگنای شدید قرار داد. حکومت مرکزی به خوبی از ناامنی در امتداد مرزهای عثمانی و ایران آگاه بود، اما تا حد زیادی قادر به توقف آن نبود. از سوی دیگر، ضعف حکومت مرکزی در برقراری نظم منجر به ناامنی در ایالت‌ها شده بود که خود را به‌صورت خصومت‌های جمعی در امتداد مرز عثمانی و ایران نشان می‌داد. علاوه بر این، مبارزه کرد-ترک و ارمنی در داخل عثمانی به ایران سرایت کرد و تنش‌ها را در آنجا تشدید کرد. دولت ایران می‌دانست که هرگونه برهم خوردن توازن بین این گروه‌ها می‌تواند منجر به جنگ داخلی در ایالت‌ها یا جنگ مرزی با عثمانی شود. بنابراین اگر حکومت قاجاریه به‌طور کامل خواسته‌های میسیونرها و دستگاه دیپلماسی انگلیسی-آمریکایی را اجرا می‌کرد، کردها ممکن بود به شورش کامل دست بزنند. در نتیجه، دولت ایران بار دیگر تلاش کرد برای حفظ ثبات، مانند قتل شوشان رایت، بین خواسته‌های میسیونرها برای مجازات شدید و تقاضای کردها برای تبریئه، تعادل برقرار کند (Davis, 2001: 151-153). از طرفی میسیونرهای آمریکایی که روابط دوستانه‌ای با کردهای دشت داشتند و بیماران آنها را مورد معالجه قرار می‌دادند، این‌گونه اقدامات برای آنها دردآور بود. آنها بعید می‌دانستند که با اعدام میرغفار، آرامش و امنیت حاصل شود، زیرا ممکن بود، روحیه انتقام‌جویی آنها باعث ایجاد زندگی ناامن برای میسیونرها شود. از این پس سایر میسیونرهای آمریکا در ارومیه به‌خصوص میسیونرهای ارشد، نگران حملات بعدی آنان به خود بودند و همین باعث شده بود که وراتیسلاو، کنسول بریتانیا در تبریز، آنها را در طی مسیرهای‌شان با سربازان هندی اسکورت کند. بنابر گزارش‌های میسیونرهای آمریکایی در ژانویه ۱۹۰۵ م/ذی القعدة ۱۳۲۲ ق، آسوریان روستای

روش را معقول ندانستند و با این کار مخالفت نمودند. هر چند که روزولت در عین حال از شرایط پیش‌آمده نگران بود. چنانچه وزیر خارجه آمریکا به تایلر؛ سرکنسول آمریکا در ایران اطلاع داد که روزولت سخت ناراحت است و اگر رضایت فوری حاصل نشود قضیه را به کنگره خواهد کشاند. آنها حتی به قطع روابط دیپلماتیک با ایران فکر می‌کردند (یسلسون، ۱۳۶۸: ۱۱۰-۱۱۳؛ Joseph, 1961: 125).

۱. در این دوره، سفیر آمریکا در تهران، ریچموند پیرسون (Richmond Pearson) (دهمین سفیر آمریکا در ایران) و سفیر انگلیس در ایران آرتور هاردینگ (Arthur B. Harding) بودند. پیرسون با توجه به بی‌توجهی‌های حاکمیت ایران برای اعدام میرغفار معتقد بود باید از طریق زور و تهدید وارد عمل شوند، از این رو از وزارت خارجه آمریکا درخواست کرد که آمریکا ناوگان جنگی خود را به خلیج فارس بفرستد. اما وزارت خارجه آمریکا و نیز تئودور روزولت، رئیس‌جمهور وقت آمریکا این

تعصب دینی، دلیل مهم‌تری نیز وجود داشت و آن مسئله فعالیت‌های گسترده میسیونرهای آمریکایی در جهت مسیحی‌سازی مسلمانان و کردهای مناطق شمال غرب و غرب ایران بود. چنانچه از اواخر دهه ۱۸۸۰م گزارش‌هایی از این امر، از سوی میسیون ذکر شده است. به‌عنوان نمونه یکی از فرزندان امام‌جمعه ساوجبلاغ در هنگام تحصیل نزد یکی از دستیاران میسیون به نام شماس ساموئل^۳، مسیحی شد. امام‌جمعه نیز پس از آگاهی از این امر، از حاکم خواست تا پسرش را اعدام کند. اما حاکم که مشتاق نجات آن پسر بود امام‌جمعه را قانع کرد که از این کار صرف‌نظر کند، زیرا با انجام آن در همه کردستان تبلیغ می‌کرد که پسر امام‌جمعه، مسیحی شده بود. بدین ترتیب جان او نجات یافت. پسر امام‌جمعه و برادرش که از خانه رانده شده بودند، به هند گریختند (Coan, 1939: 63). افزون بر آن، طبق گزارش میسیونرهای آمریکایی، در ۱۸۹۱م/۱۳۰۸ق یکی از کردهای ارومیه به مسیحیت گروید و به‌دلیل محدودیت‌های موجود برای مدتی در بیمارستان میسیون اقامت کرد. وی حتی پس از مدتی مورد حمله تعدادی از کردها قرار گرفت و با توجه به درگیری‌های ایجاد شده، این کرد نومیسیحی به تفلیس فرستاده شد، چراکه میسیونرهای آمریکایی با وجود چنین دشمنانی نمی‌توانستند جان او را حفظ کنند. از طرفی دکتر کوکران با قبیله فرد مذکور توافق کرد و با دادن هزینه‌ای به آنها، به مبلغ ۱۰ تومان قضیه فیصله یافت (Speer, 1911: 158-159).

نتیجه

میسیونرهای آمریکایی در ابتدای ورود به ایران، با توجه به همزیستی کردها و آسوریان در مناطق مرزی ایران و عثمانی، همواره تلاش می‌کردند تا با ارائه خدمات پزشکی و آموزشی، از در دوستی و تعامل با آنها برآیند تا بتوانند اهداف تبشیری خود را تحقق بخشند. این اقدام میسیونرهای آمریکایی از آن جهت بود تا از آسوریان که در خطر مسلمان شدن توسط کردها قرار داشتند، محافظت کنند. هرچند که در این راه چندان موفق نبودند و طی شورش بدرخان‌بیگ تعدادی از آسوریان کشته شدند. همچنین عثمانی و حکومت قاجاریه تمایلی به قدرت‌گیری کردها نداشتند. از این‌رو آنان برای کسب قدرت بیشتر، دست یاری به سوی نیروهای خارجی دراز می‌کردند و همین موضوع باعث برخی تعاملات کوتاه‌مدت کردها با میسیونرهای آمریکایی می‌شد. اما حس

کرد که برای سفر زیارتی به حرم امام رضا(ع) در مشهد، برود. میرزا حسین آقا نیز، موافقت کرد (Davis, 2001: 154-155).

موضوع دیگر در قتل لابی، مجازات همدستان میرغفار بود که میسیونرها و نمایندگان سیاسی آمریکا و انگلیس در تابستان ۱۹۰۵م/۱۳۲۳ق به این نتیجه رسیدند، با توجه به ضعف حاکمیت ایران و قدرت همدستان میرغفار، دستگیری و مجازات آنها اتفاق نخواهد افتاد. بنابراین، دولت آمریکا تغییر مسیر داد و از دولت ایران خواست تا غرامت بزرگی به مری شافلر لابی^۱، بیوه بنجامین لابی بپردازد. به‌همین منظور، وزارت امور خارجه آمریکا فرستاده ویژه‌ای را به ارومیه اعزام کرد تا وضعیت را بررسی کند و مذاکرات غرامت با دولت ایران را انجام دهد. دستگاه دیپلماسی انگلیسی-آمریکایی بر این باور بود که غرامت تنها راه باقی‌مانده برای ساختن درس عبرتی از این ماجرا و ایجاد انگیزه در دولت ایران، برای حفظ نظم در منطقه بود. میسیونرها و دیپلمات‌ها همگی، دولت ایران را به دلیل عدم حفظ محیطی امن برای خارجی‌ها در منطقه مسئول می‌دانستند. در نتیجه، کنسول نورتون^۲، فرستاده ویژه آمریکا، در مورد پرداخت ۵۰۰۰۰ دلار به مری لابی مذاکره کرد که اگر کردهای مجرم «سریع مجازات شوند» می‌تواند به ۳۰۰۰۰ دلار کاهش یابد و در غیر این صورت، دولت ایران مسئول پرداخت ۲۰۰۰۰ دلار باقی‌مانده بود (یسلسون، ۱۳۶۸: ۱۱۴-۱۱۳؛ Davis, 2001: 155-156). بسیاری از میسیونرها، مانند جوزف کوکران، از اخذ غرامت لازم برای امنیت بیشتر میسیونرها حمایت کردند. با این حال، مری لابی آشکارا با همکاران خود و دیپلمات‌های آمریکایی مخالف بود. او در نامه‌ای به وزارت امور خارجه، از ترس اینکه ایرانیان این پرداخت را «دیه» بدانند، قاطعانه از دریافت غرامت امتناع کرد. با این حال، میسیونرهای دیگر و دیپلمات‌های آمریکایی به او اطلاع دادند که حق ندارد غرامت را رد کند و به هر حال بر آن پافشاری کردند. در نهایت دولت ایران ۳۰ هزار دلار به مری لابی پرداخت که با اکره این پول را پذیرفت. دولت ایران که نتوانست به موقع بقیه همدستان میرغفار را دستگیر کند، ۲۰۰۰۰ دلار باقی‌مانده را پرداخت کرد (یسلسون، ۱۳۶۸: ۱۱۴؛ ساعتچیان، ۱۳۹۶: ۹۱-۹۲؛ Joseph, 1961: 126).

درباره علل قتل میسیونرهای آمریکایی و دستیاران مسیحی آنها، توسط کردها علاوه بر موضوعاتی چون بیگانه‌ستیزی و

کلهر، محمد (۱۳۹۳)، *جستاری پیرامون جنبش شیخ عبدالله شمذینی ۱۲۹۷ ق/ ۱۸۸۰ م به انضمام «رساله افتتاح ناصری»*، تهران: پردیس دانش. ماساهارو، یوشیدا (۱۳۷۳)، *سفرنامه یوشیدا ماساهارو*، ترجمه هاشم رجب‌زاده، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.

معمدالوزاره، رحمت‌الله‌خان (۱۳۷۹)، *ارومیه در محاربه عالم‌سوز: از مقدمه نصارا تا بلوای اسمعیل آقا (۱۳۰۰-۱۲۹۸ شمسی)*، به کوشش کاوه بیات، تهران، شیرازه.

معین‌السلطنه، محمدعلی (۱۳۶۳)، *سفرنامه شیکاگو؛ خاطرات حاج میرزا محمد علی معین‌السلطنه به اروپا و آمریکا ۱۳۱۰ ق*، به کوشش همایون شهیدی، تهران، علمی.

میرم، توماس (۱۳۸۹)، *نگاهی به تاریخ کلیسای شرق، ارومیه، مانا طائب. ویشارد، جان (۱۳۶۳)*، بیست سال در ایران، ترجمه علی پیرنیا، تهران، موسسه انتشارات نوین.

همدی، و. (۱۳۷۸)، *کردستان و کرد در اسناد محرمانه بریتانیا*، ترجمه بهزاد خوشحالی، همدان، نورعلم.

یسلسون، آبراهام (۱۳۶۸)، *روابط سیاسی ایران و آمریکا*، ترجمه محمد باقر آرام، تهران، امیرکبیر.

English Resource

- A century of mission work in Iran (Persia) 1834-1934 : A record of one hundred years of the work of the Iran (Persia) Mission of the Board of Foreign Missions of the Presbyterian Church in the U.S.A, (1936), Beirut, Printed at the American Press.

-A History of the Establishment of Diplomatic relations with Persia(1887), Marietta(Ohio),E.R. Aldeeman & Sons, Printers.

-Aprim, Frederick A.(2007), *Assyrians : from Bedr Khan to Saddam Hussein. Driving into extinction the last Aramaic speakers*, Verdugo City, CA , Pearlida Publishing.

-Bassett, Rev.James(1890), *Persia eastern mission, A Narrative Founding and Fortunes of the Eastern Persia Mission, With A Sketch of the Versions of the Bible and Christian Litreture in the Persian and Persian-Turkish Languages*, Philadelphia, Presbyterian Board of Publication and Sabbath-School work.

-Becker, Adam.H(2015), *Revival and Awakening :American Missionaries in Iran, and the Origins of Assyrian Nationalism*, Chicago, The University of Chicago Press.

- Britannica Encyclopedia of World Religions(2006), Jacob E. Safra, Jorge Aguilar-Cauz (editors), London, Encyclopædia Britannica, Inc. .

بیگانه‌ستیزی کردها نسبت به مسیونرهای آمریکایی، بار دیگر با شکست شورش شیخ عبدالله، شعله‌ور گردید. همچنین گسترش فعالیت‌های مسیون آمریکا از اواخر دهه ۱۸۸۰م در جهت مسیحی نمودن کردها، خشم آنان را نسبت به مسیونرهای آمریکایی بیشتر کرد و قتل‌ها و تهدیدهای مسیونرهای آمریکایی و دستیاران مسیحی آنها، پیامد این‌گونه اقدامات بود. افزون بر موارد مذکور، قتل مسیونرهای آمریکایی و به‌دنبال آن پیگیری قتل، یافتن قاتلان و دستگیری و مجازات آنها در ایران که دچار نوعی ضعف در قوانین دادرسی بود، مسیون آمریکا را با چالش‌های دیگری روبه‌رو می‌ساخت. از این‌رو مسیونرهای آمریکایی باید برای دستگیری و مجازات قاتلان کوشش بسیار می‌کردند و از طرفی نوعی ترس در میان آنها پدیدار می‌شد که بازدهی کار آنان را کاهش می‌داد. در مجموع می‌توان گفت گرچه اقدامات مسیون آمریکایی برای حمایت از مسیحیان غرب ایران آنان را وادار به تعامل با کردها نمود اما بیگانه‌ستیزی کردها و نیز تلاشی که مسیون برای مسیحی کردن آنان به انجام رساند مشکلات قابل توجهی را بر سر راه مسیون پدید آورد.

منابع

الدر، جان (۱۳۳۳)، *تاریخ مسیون آمریکایی در ایران*، ترجمه سهیل آذری، تهران، نورجهان.

چهره‌گشا، امیر (۱۳۹۶)، *شورش شیخ عبدالله شمزینی در تبریز و ارومیه از منظر روزنامه‌های دوره ناصری*، تبریز، اختر.

خسروزاده، سیروان (۱۳۹۷)، *راه بی‌سرانجام: نگاهی به سرگذشت آسوریان در جنگ جهانی اول*، تهران، شیرازه.

روزهای خونین مراغه (رسایل و اسنادی در باب شرح وقایع حمله شیخ عبدالله کرد به مراغه و دیگر ولایات آذربایجان) (۱۳۹۶)، دفتر اول، به کوشش جلال جلال شکوهی، یوسف بیگ باباپور، مسعود غلامیه، تهران، منشور سمیر.

ساعتچیان، علیرضا (۱۳۹۶)، *ایرانیان از نگاه آمریکاییان: ایران عهد قاجار در روزنامه‌های آمریکا*، تهران، بنگاه پارسه.

فتنه شیخ عبدالله کرد (گزارش‌هایی از وقایع حمله اکراد به صفحات آذربایجان در دوره قاجار) (۱۳۹۰)، تصحیح یوسف بیگ باباپور، مسعود غلامیه، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

فیضی، کیومرث (۱۳۹۱)، *قیام شیخ عبدالله شمزینی (نهری) در دوره ناصرالدین شاه قاجار*، ایلام، جوهر حیات.

فولادی پناه، اعظم (۱۴۰۳)، «مبانی الهیاتی هیئت‌های تبشیری آمریکا و تأثیر آن بر رویکرد تبشیری آنان در ایران قاجاری»، نشریه علمی پژوهشی مطالعات کشورها، دوره ۲، شماره ۴.

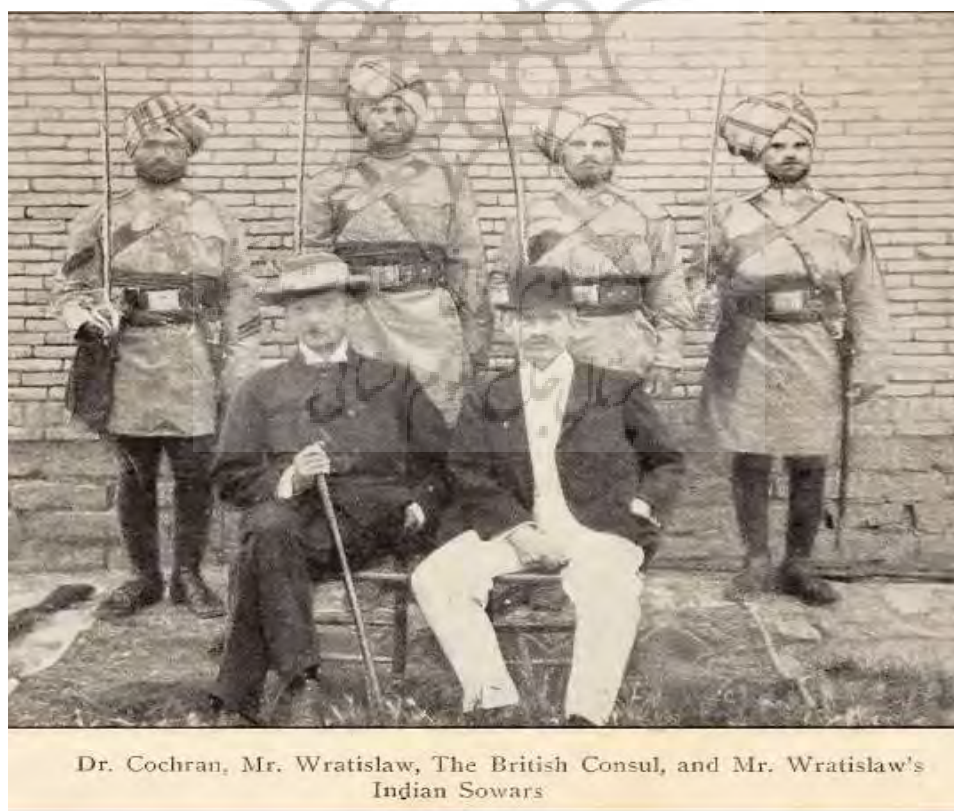
کرزن، جرج (۱۳۴۹)، *ایران و قضیه ایران*، ج ۱، ترجمه غ. وحید مازندرانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

- Perkins, Justin(1843), *A Residence of Eight Years in Persia Among the Nestorian Christians; with Notes of the Muhammedans*, New York, Allen, Morrill & Wardwell.
- Presbyterian Monthly Record of The Church in The United States of America*(1881), Vol. XXXII(32), Philadelphia, Presbyterian Board of Publication.
- Prokurat , Michael, Golitzin, Alexander, D. Peterson, Michael(1996), *Historical Dictionary of the Orthodox Church*, Lanham, Scarecrow Press.
- Speer, Robert E. , Carter, Russell(1922), *Report on India and Persia, of the Deputation sent by the Board of Foreign Missions of the Presbyterian Church in the U. S. A. to visit these fields in 1921-22*, New York City, The Board of Foreign Missions of the Presbyterian Church in the U. S. A. .
- Speer, Robert. E(1911), *The Hakim Sahib; The Foreign Doctor A biography of Joseph Cochran, M.D of Persia*, New York, Fleming H. Revell Company.
- Wagner, Moritz(1856), *Travels in Persia, Georgia and Koordistan*, Vol.1, London, Hurst and Blackett Publishers.
- The Encyclopedia of WORLD RELIGIONS*(2006), Revised Edition, Robert S. Ellwood & Gregory D. Alles(editor), New York City, Facts On File, Inc. An imprint of Infobase Publishing.
- Wilson, Rev. S.G.(1896) , *Persia: Western Mission*, Philadelphia, Presbyterian Board of Publication and Sabbath-School Work.
- Coan, Frederick G.(1939), *Yesterdays In Persia And Kurdistan*, Foreword by Robert E. Speer, California, Saunders Studio Press.
- Congressional Record –Senate*(1882), 3th August & 5th August.
- Davis, Matthew Mark(2001), *Evangelizing The Orient: American Missionaries in Iran, 1890-1940*, Presented in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Philosophy in the Graduate School of The Ohio State University, The Ohio State University.
- Encyclopedia of Religion*(2005), Vol.5, Lindsay Jones (editor), Detroit, Thomas Gale.
- Holmberg, B.(1993), “Nas̄ūriyyūn”, EI2, Edited by C.E. Bosworth & E.Van Danzel, Vol.7, Leiden, Brill.
- Jewett, Mary(1909), *Reminiscences of my Life in Persia*, Cedar Rapids. Iowa, The Torch Press.
- Joseph, John(1961), *The Nestorians and their Muslim neighbors: a study of Western influence on their relations*, Princeton, N.J. , Princeton University Press.
- Fiey, J.M.(1993) , “Naṣārā”, EI2, Edited by C.E. Bosworth & E. Van Danzel, Vol.7, Leiden, Brill.
- Flynn, Thomas O.(2017), *The Western Christian Presence in the Russias and Qājār Persia, c. 1760–c.1870*, Leiden, Brill.
- Maclean, Arthur John(1901), *A dictionary of the dialects of vernacular Syriac as spoken by the eastern syrians of Kurdistan, northwest Persia, Oxford, Clarendon Press. and the plain of Moṣul*,
- Miller, Owen Robert, Soleimani, Kamal(2019), ” The Sheikh and the Missionary: Notes on a Conversation on Christianity, Islam and Kurdish Nationalism”, *The Muslim World*, Vol.109, Issue3.





دکتر کوکران و بیماران کرد



کوکران و کنسول انگلیس